

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

مهر مدرسه

کد طلایی: .....

کد امتحان:	۲۴۰۰۱/۲۵
تاریخ آزمون:	۱۴۰۰/۱۰/۲۱
عنوان:	اصول فقه ۲
کتاب:	دروس فی علم الاصول - حلقه ثانیه
محدوده:	از ابتدای حلقه ثانیه تا ابتدای دلیل شرعی غیر لفظی (ص ۱۵۰-۸۸)
حذفیات:	مباحث ذیل توسط اساتید "تلخیص" و مطالب کلی ارائه شود: ۱. الادلّه المحرزّه تا ابتدای وفاء الاماره بدورالقطع الموضوعی (ص ۱۱۰-۱۰۶) ۲. الاشتراک و الترادف تا ابتدای امر و نهی (ص ۱۲۲-۱۲۶) ۳. الاطلاق و التقييد تا ابتدای تعريف العموم (ص ۱۲۸-۱۲۲) نکته: در تلخیص، تطبیق متن عربی لازم نیست.

## کلمه از نوشتن نام و نام خانوادگی در برگه امتحان و پاسخنامه، خودداری نمایید.

۰/۵

۱- کدام گزینه بیانگر مرحله «ملاک» از مراحل حکم تکلیفی است؟ ص ۹۱

- الف. مصلحت
- ب. اعتبار
- ج. ابراز
- د. اراده

۰/۵

۲- عبارت: «استحقاق العقاب عقلاً علی المخالفة» بیان کننده کدام اصطلاح است؟ ص ۹۷

- الف. معذرت
- ب. منجزیت
- ج. کاشفیت
- د. تجزی

۰/۵

۳- آنچه که فقیه هنگام «عدم وجود دلیل محرز» به آن مراجعه می کند، چیست؟ ص ۹۵

- الف. قرآن و حدیث
- ب. ظنون معتبره
- ج. عقل عملی
- د. اصل عملی

۰/۵

۴- نظر شهید صدر<sup>(ه)</sup> پیرامون حجیت لوازم اماره چیست؟ ص ۱۰۸

- الف. اماره در حجیت لوازم مانند اصل است.
- ب. لوازم شرعی خود را اثبات نمی کند.
- ج. لوازم عقلی خود را اثبات نمی کند.
- د. لوازم خود را مطلقاً اثبات می کند.

۰/۵

۵- حقیقت «وضع» نزد شهید صدر<sup>(ه)</sup> چیست؟ ص ۱۱۶

- الف. اعتبار السببیت
- ب. اعتبار العلامه
- ج. القرن الاکید
- د. التعهد

۰/۵

۶- تقابل بین اطلاق و تقييد به لحاظ عالم اثبات از کدام نوع است؟ ص ۱۳۴

- الف. عدم و ملکه
- ب. تناقض
- ج. تعارض
- د. تضاد

۲

۷- مراد از «حکم واقعی» و «حکم ظاهری» چیست؟ چرا قابل اجتماع در یک واقعه هستند؟ ص ۹۴-۹۳

جواب: حکم واقعی: هر حکمی که در موضوع آن شک در حکم شرعی سابق بر آن فرض نشده باشد. حکم ظاهری: هر حکمی که در موضوع آن شک در حکم شرعی سابق بر آن فرض شده باشد. هر دو قابل اجتماع در یک واقعه هستند چون حکم ظاهری از حیث رتبه متأخر از حکم واقعی است و بعد از شک در حکم واقعی یک چیزی حکم ظاهری فرض می شود و لذا استحاله‌ای ندارد که مثل شرب تنن در واقع حکم آن حرمت باشد ولی چون نمی دانیم، حکم ظاهری حلیت بر آن جعل شود.

۸- «قطع طریقی» و «قطع موضوعی» را در ضمن مثال توضیح دهید. ص ۱۰۱

۲

جواب: شارع به دو صورت می‌تواند حکم را برای موضوعات جعل کند یا حکم را بر روی ذات موضوع می‌برد. مثلاً حرمت را بر روی ذات خمر می‌برد یا اینکه بر روی موضوع معلوم، یعنی علم را در موضوع أخذ می‌کند. مثلاً می‌گوید خمر مقطوع حرام است، لذا اگر مکلف قطع به خمیریت مایعی پیدا کرد در صورت اول قطعش طریقی به واقع است و واقع را کشف می‌کند که به آن قطع طریقی می‌گویند و در صورت دوم قطعش علت برای حکم است و حکم را به وجود می‌آورد که به آن قطع موضوعی می‌گویند.

۹- دلالت تصویری و تصدیقیه اولی را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۱۲۵ و ۱۱۴

۲

جواب: دلالة تصویری: عبارت است از خطور معنا به ذهن (مانند معنای آب) هنگام شنیدن لفظ (آب) ولو اینکه از موجودی بی‌جان صادر شود که منشا آن وضع است. (۱ نمره) دلالت تصدیقی اولی: دلالت لفظ بر قصد متکلم از استعمال آن در معنایش ولو اینکه به شوخی باشد، که منشا این دلالت و دلالت بعدی ظهور حالی متکلم است. مانند: «زید عالم» که دلالت بر قصد اخبار و حکایت معنای جمله تامه دارد ولو اینکه در نظر متکلم زید عالم نیست و به شوخی چنین گفته است. (۱ نمره)

۱۰- با توجه به عبارت: «و قد يعترض بأن تبادل المعنى الحقيقي من اللفظ فرع علم الشخص بالوضع، فإذا أُريدَ تحصيل العلم بالوضع من التبادل لزم الدور»، اشکال تبادل را نوشته و جواب شهید صدر (ه) از آن را بیان کنید. ص ۱۱۹

۲

جواب: تبادل یعنی انسباق معنا به ذهن، این انسباق وقتی معنا دارد که شنونده موضوع له لفظ را بداند، لذا تبادل متفرع بر علم به وضع است. و از طرفی قرار است با تبادل موضوع له لفظ را به دست بیاوریم یعنی علم به وضع متفرع بر تبادل است که در نتیجه دور لازم می‌آید؛ تبادل متوقف بر علم به وضع است و علم به وضع متوقف بر تبادل. پاسخ شهید: علم به وضع از راه تبادل مستلزم دور نیست، زیرا تبادل متوقف بر واقع وضع است نه علم به وضع، تبادل ناشی از قرن آکیدی است که بین لفظ و معنا ایجاد شده است، به کسی که این قرن اکید در ذهنش موجود است عالم به وضع نمی‌گویند، زیرا این قرن ممکن است در ذهن کودک هم به وجود بیاید در حالی که اصلاً مفهوم وضع را نمی‌داند. بنابر این علم به وضع متوقف بر تبادل است، ولی تبادل متوقف بر علم به وضع نیست.

۱۱- مراد از اطلاق شمولی، بدلی، افرادی و احوالی را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۱۳۴

۲

جواب: اطلاق شمولی: اطلاق که مقتضی استیعاب حکم برای جمیع افراد طبیعت است. مانند: لاتکذب؛ اطلاق بدلی: کفایت می‌کند در امثال حکم با ایجاد بعض افراد. مانند: صل؛ اطلاق افرادی: اطلاق به لحاظ افراد است. مانند: اکرم العالم؛ اطلاق احوالی: اطلاق به لحاظ احوال است. مانند: اکرم زیداً که به لحاظ احوال مختلف زید اطلاق دارد.

۱۲- مراد از دو رکن ضابطه داشتن مفهوم در عبارت: «إن دلالة الكلام على المفهوم بحاجة الى ربط خاص ... المعروف أنه عبارة عن الركنين» را با دلیل هر یک تبیین نمایید. ص ۱۴۳

۲

جواب: ۱. ارتباط جزاء به شرط (به عنوان مثالی برای مفهوم) از نوع ارتباط معلول به علت منحصره‌اش باشد زیرا اگر ربط بین جزاء و شرط اتفاقی یا لزومی بدون علیت یا علیت بدون انحصار باشد جزاء با انتفاء شرط منتفی نمی‌شود. زیرا ممکن است علت دیگری برای تحقق جزاء وجود داشته باشد. ۲. منتفی طبیعی حکم باشد نه شخص حکم زیرا مفهوم، انتفاء طبیعی حکم است و زیرا شخص حکم با توجه به قاعده احترازیت قیود منتفی است.